

مرد مردمی



■ نویسنده:
چینو آچه‌به
■ مترجم: افسانه رشنو
■ ناشر: ناهید

«مرد مردمی» شهرت چینو آچه‌به را بعد از «همه چیز فرومی باشد» از شخصیتی ادبی به جایگاه پیامبری بالا برد. داستان رمان «مرد مردمی» که از آن می‌توان به‌عنوان «شاهکار کوچک» آچه‌به یاد کرد، با دو گروه متضاد از دو نسل سیاسی در دو کاراکتر اصلی نمایش داده می‌شود. اودیلی سامالو مرد جوان آرمان‌گرایی است که ردپایی از بی‌گناهی در او پیدا نمی‌شود. او ساده‌لوحی است که ...

داستان پسر



■ نویسنده:
نادین گوردیمر
■ مترجم:
شیرین دخت دقیقان
■ ناشر:
روشنگران و مطالعات زنان

«داستان پسر» آخرین اثر نادین گوردیمر نویسنده آفریقایی برنده نوبل ادبیات است. داستان این کتاب در همان فضای سیاه تبعیض آفریقای جنوبی می‌گذرد، اما بیش از تمرکز بر این موضوع، نوعی بی‌خبری و خودشیفتگی را روایت می‌کند. پسر نوجوان یکی از مهم‌ترین رهبان مبارزاتی ناخواسته متوجه خیانت پدرش به همسر و خانواده می‌شود، اما به‌جای افشاری در پرده‌پوشی و پنهان‌کاری شریک او می‌شود...

معمای بازگشت



■ نویسنده: دنی لافریر
■ مترجم:
علی نساجی زواره
■ نشر افکار

دنی لافریر در کتاب معمای بازگشت، داستان نویسنده‌ای تبعیدی را نوشته است که بعد از شنیدن خبر درگذشت پدرش به وطنش برمی‌گردد. پدرش هم عمرش را در تبعید به سر برده است. دنی لافریر در این کتاب به خوبی موفق شده تا روایت شعرگونه را با داستانش بیامیزد و نتیجه، اثری جذاب است که زندگی سخت و فشارهای تبعید را ترسیم کرده است. مردمی که بدون هیچ امید و امیدواری در غم و اندوه و بدبختی غرق شده‌اند.



که در کتاب من به نام «شب بر فراز آفریقا» به تفصیل بحث شده، سیاست ترور در این قاره تاریک به یک سنت شوم تبدیل شده است.

«مرگ رفیق رئیس جمهور» به‌ویژه وقتی تلقینات سیاسی میشل را به تصویر می‌کشد که در درس‌های مدرسه درباره شکایات در پوشش کشورهای سوسیالیستی رخ می‌دهد، تند و تیزبینانه است. در یک صحنه، میشل به طرز خنده‌داری از لباس‌هایی که در اتحاد جماهیر شوروی می‌پوشید به شرارت‌های امپریالیسم یاد می‌کند: «بعضی وقت‌ها حتی مجبور بودیم مانند مردم آنها لباس بیپوشیم. ما زیر آفتاب ظهر کت، دستکش، خز و کفش می‌پوشیم، مانند اروپایی‌ها در اعماق زمستان، زیرا خورشید همیشه در آنجا نمی‌تابد، به همین دلیل است که بسیاری از کشورهای آن قاره برآند تا مکان‌های گرم‌تر را مستعمره کنند، تا بتوانند در تعطیلات با همسران، فرزندان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های بیمار و سگ و گربه‌های خود به آنجا بروند.»

مدتی کوتاه پس از اطلاع از ترور، میشل راه‌های زیادی را به یاد می‌آورد که به او و دانش‌آموزانش یاد داده‌اند که به‌نگوایی احترام بگذارند، از جزئیات ملاقات‌هایش با مائو تسه‌تونگ و فیدل کاسترو لذت ببرند، تا هر روز مدرسه را با گفتن «چیزهای خوب درباره رفیق» شروع کنند. مارین‌نگوایی در حالی که در کنار پرچم ملی در زمین بازی ایستاده، انتظار که باید از مرگ رئیس‌جمهور ناراحت نیست و این میشل است که از خود می‌پرسد که آیا باید «چشم‌هایش را مانند بیوه‌ها بمالد، همان‌طور که آنها به‌زور برای شوهران‌شان اشک می‌ریزند!»



«مرگ رفیق رئیس‌جمهور» وقتی تلقینات سیاسی میشل را به تصویر می‌کشد که در درس‌های مدرسه درباره شکایات در پوشش کشورهای سوسیالیستی رخ می‌دهد، تند و تیزبینانه است

است که مقصر مرگ رئیس‌جمهور بودند و خانواده او در امان نیستند. «در حقیقت تو به من می‌گویی که این سربازان شرور از براز اوایل می‌خواهند به خانه من بیایند و من را دقیقاً جلوی چشم میشل بکشند، همانطور که برادرم را جلوی چشمان زن و فرزندانش به قتل رساندند؟» مادرش می‌خواهد ترس را کمتر کند اما نمی‌تواند تضمین کند که او در امان است.

مراحل میانی و پایانی رمان به‌طور فزاینده‌ای پرتنش است؛ چراکه میشل با پیامدهای تغییرات سیاسی مبارزه می‌کند و این در حالی است که برخی از آنها با تصمیم‌هایی که چندین دهه قبل از تولدش در پایتخت‌های اروپایی گرفته شده، به راه افتاده‌اند. راوی جوان مابانکو در حالی که زندگی مادرش در خطر است، به رویارویی‌ای کشیده می‌شود که او را وادار می‌کند در مفاهیم در حال رشد خود از قدرت دولت و صداقت تجدیدنظر کند. در همین حال، گفت‌وگوهای میشل با والدین، معلمان و سایر افراد جامعه، حداقل درک ابتدایی از تاریخ کشورش را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

جمهوری کنگو در دهه ۱۸۸۰ توسط فرانسوی‌ها مستعمره شد و تقریباً یک قرن بعد استقلال خود را به دست آورد. در طول جنگ سرد، این کشور به اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی وابسته بود. مابانکو معتقد است که در سال‌های پس از آن، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها این کشور را عمیقاً درک نکرده‌اند. او این نکته آخر را در یک مجموعه طنز به تصویر می‌کشد که در آن یک روزنامه‌نگار خارجی حامی در یک برنامه رادیویی فرانسوی‌زبان گزارش‌های ساده خود را تبلیغ می‌کند: «همانطور

از انقلاب تا آزادی...

«مرگ رفیق رئیس‌جمهور» به روایت مهدی غبرایی

از زبان مترجم: رمان «مرگ رفیق رئیس‌جمهور» اثر آلن مابانکو نویسنده کنگویی، اشاره‌های صریح و روشن به انواع کودتاهای آفریقا دارد و من از دوره جوانی و تحصیل در رشته حقوق سیاسی به این مباحث علاقه‌مند بودم و با دیدن این رمان توأم با طنز با دریغ و حسرت و درعین حال با لذت فراوان ترجمه‌اش کردم؛ چون یک جورهایی حکایت روزگار هم مهم هست! رمان از زبان پسری شیرین‌زبان و خیالی‌باف در محیطی نامتعارف و نیمه‌شهری (گیریم مثل پایین شهر خودمان) با پدر و مادری نامتعارف و حتی دکان شبه‌بقالی نامتعارف (ننه موبوبی و مغازه تک‌فروشی او و تک‌پسر عزیز دردانه‌اش، که همراه مامان پولین، و پاپا روزه و خود میشل - راوی - به قولی بر جمعیت دنیا می‌افزایند) بیان می‌شود. ابتدای رمان را یاد «تام سایر» مارک تواین می‌انداخت که باید زبان سرزنده و شوخ‌وشنگ پسر بچه‌ای

در آستانه بلوغ را بازسازی می‌کردم که می‌گوید مردم مرا سربه‌هوا و خیالی‌باف می‌دانند که بی‌منظور گاه‌گاهی حرف‌هایی می‌زنم که شاید خلاف ادب باشد.

اما این فضای آرام و بی‌دغدغه کودکانه، ناگهان با قتل رئیس‌جمهور به‌هم می‌خورد و داستان چرخش تازه‌ای پیدا می‌کند. شهر پر از سرباز و نظامیان و بگیروبیند و ناامنی می‌شود و به دلیل خانواده میشل نیز درگیر جو و اضطراب و ناامنی می‌شود. درعین حال سگی که تازه خریده‌اند، انگار از حوادث بو برده باشد، از خانه می‌گریزد و میشل در بخشی از داستان دنبالش می‌گردد و سرآخر با ورود به دنیای بلوغ و بزرگسالی، همچون بزرگسالان به دروغ و ریا تن درمی‌دهد. زبان طنزآمیز و توأم با نعل وارون رمان به‌قول قدما مدح شبیه به ذم است، یعنی در ظاهر تعریف است و در باطن تکذیب! نمونه: لابد کشورهای اروپایی که کمتر رنگ آفتاب را می‌بینند و اغلب سردشان است به این دلیل کشورهای آفریقا را تصاحب می‌کنند که جایی برای تفریح و گرم‌شدن و حمام آفتاب‌گرفتن با زن و بچه و حتی سگ‌هاشان داشته باشند.